

فضای عمومی جامعه و نیز مباحث مطرح نزد مقامات عالی قضایی، نظارتی و برخی از مقامات و نهادهای اجرایی، مدتی است که معطوف به مسئله مهمی در زمینه صیانت از حقوق عامه شده است؛ اینکه قوه قضائیه در مواجهه با نقض حقوق و منافع عمومی چه وظایفی دارد؟ نسبت وظایف مذکور با وظایف سازمان‌های دولتی مربوط چیست و مقامات قوه قضائیه (بیشتر دادستانی) از چه ابزارهایی برای صیانت از حقوق عامه برخوردارند، سؤالاتی است که در این میزگرد به آن پرداخته شد. میزگرد علمی تخصصی «مفهوم و نظام حقوقی حاکم بر نحوه انجام وظیفه قوه قضائیه در احیای حقوق عامه» با حضور دکتر اسدالله یآوری (عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی) آقای دکتر مسلم آقایی طوق (عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری)، آقای دکتر علی بهادری جهرمی (نماینده پژوهشکده شورای نگهبان)، آقای محمد صالح نقره‌کار (پژوهشگر تخصصی موضوع)، آقای دکتر عباس توازی‌زاده (سرپرست پژوهشکده حقوق عمومی و بین‌الملل پژوهشگاه قوه قضائیه) برگزار شد که در ادامه گزارش این نشست را خواهید خواند.

### سیر تحول موضوع حقوق عامه در نظام قضایی کشور

در ابتدای این نشست تخصصی دکتر نقره‌کار ضمن اشاره مختصر به بحث احیای حقوق عامه در دادستانی کل کشور بیان داشت: «اینجانب در گذشته در هیئت عمومی دیوان عالی کشور به‌عنوان نویسنده جریان مباحث مطروحه در هیئت عمومی حضور داشتم. به مناسبت آشنایی با دادستان کل (وقت)، مباحثی در خصوص مرجع صیانت از حقوق عمومی در نظام قضایی مطرح گردید. در آن دوره، تشکیلات خاصی در دادستانی کل کشور برای انجام وظایف مربوط به صیانت از حقوق عمومی وجود نداشت؛ منابع این موضوع جمع‌آوری شد و به دستور دادستان کل کشور، به منظور بررسی نقش دادستانی در صیانت از خیر و منفعت عمومی جلساتی با حضور دادیاران دیوان عالی کشور برگزار و دادستانی در نظام حقوقی و قضایی ایران، با عنوان «پارکه» ایجاد شد. واژه «مدعی‌العموم» در سال ۱۳۰۷ در قانون اصول تشکلات عدلیه به کار

رفت و از همان زمان وارد نظام حقوقی ایران شد. مدعی‌العموم وظیفه پیگیری امر عمومی را بر عهده داشت. امور حسبی هم به همین اعتبار در عداد وظایف دادستانی گذاشته شد. پس از احیای دادرها، از سال ۱۳۸۴ پرونده‌های متعددی در زمینه حقوق عامه توسط دادستانی پیگیری گشته که از جمله می‌توان به آتش گرفتن خودروهای پژو ۴۰۵ به دلیل نقص سیستم سوخت‌رسانی، آلودگی هوا، بخشی از پرونده هموفیلی‌ها، پارک ملی گلستان، پروژه جاده تهران-شمال، پسماندهای آلوده و الواح گلی دوره هخامنشی اشاره کرد. در مجموع حدود ۳۰ پرونده در زمینه‌های مربوط به خیر عمومی مورد پیگیری دادستانی قرار گرفت». دکتر نقره‌کار با تأکید بر این نکته که از میان



بندهای مذکور در اصل ۱۵۶، بندهای ۲ و ۵ به وظایف دادستانی ارتباط دارد ادامه داد: «مطالعاتی که در زمینه وظیفه دادستانی در احیای حقوق عامه انجام شد، برای نقش‌آفرینی دادستانی در این زمینه (استیفای حقوق عمومی) هشت گام طراحی شد: شناسایی، اعلان، آموزش و آگاهی، اجرا، احقاق، احیا، ضمانت اجرا، پایش و نظارت. احیای حقوق عمومی تا سال‌ها بر عهده نهاد مشخصی در قوه قضائیه نبود. البته دادستانی چندین نمایندگی در شوراهای مختلف داشت، اما وظیفه مشخصی در احیای حقوق عامه بر عهده نداشت. دادستان کل کشور اگر بخواهد پایشگر حقوق عمومی باشد، باید به دادستانی‌های کشور متصل باشد. در فصل دهم قانون آیین دادرسی کیفری، این اتصال برقرار شد».

وی ضمن اعتقاد به این نکته که منفعت عمومی حاصل ارزش‌های مشترک اجتماعی است افزود: «ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲)، در زمینه ورود دادستان کل کشور به موضوعات مربوط به حقوق و منافع عمومی، حکم مشخصی وضع کرده است. صلاحیت مذکور در ماده یادشده، نه از نوع اختیاری، بلکه تکلیفی است. دادستان باید در انجام وظایف خود در زمینه حمایت از حقوق و منافع عمومی از ابزارهای مختلفی از جمله گزارش‌های نهادها و تشکل‌های مدنی نظیر تشکل‌های حقوق کودک و محیط‌زیستی برخوردار باشد. ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴) در این مورد حکم مشخصی وضع کرده است».

این پژوهشگر حقوق عامه اظهار داشت: «قانون‌گذار اساسی در موارد مختلف از اصطلاحات متفاوتی در زمینه حقوق عمومی مانند حقوق انسان، حقوق ملت، حقوق مردم، حقوق فردی و اجتماعی، حقوق عمومی و حقوق اشخاص استفاده کرده است. از نظر برخی اشخاص که در تدوین قانون اساسی نقشی بر عهده داشته‌اند، انقلاب از ادبیات مفهومی خاصی در این زمینه استفاده کرده است. حسب بررسی انجام‌شده، هفتاد مصداق (تمثیلی) از مصادیق حقوق عامه احصا شده است. البته حقوق عامه یک مفهوم بسته نیست، بلکه در بستر زمان توسعه می‌یابد؛ مثل حق دسترسی به فضای مجازی. بر این اساس، منفعت عمومی یک مفهوم نسبی است».

### بررسی مفهومی حقوق عامه و منفعت عمومی

دکتر توازی‌زاده با بیان اینکه مقامات قضایی و اجرایی باید اختیارات خود را در چارچوب قانون اعمال کنند، تأکید کرد: «اعمال صلاحیت در مورد وظیفه احیای حقوق عامه علی‌الاصول باید در چارچوب اصل بنیادی حاکمیت قانون صورت پذیرد. بر این اساس، ضرورت دارد حدود و ثغور مفهومی «احیای حقوق عامه»، ولو به صورت اعتباری و مثلاً از طریق تقنین مشخص گردد».

ایشان با هدف تبیین مفهوم منفعت عمومی بیان داشت: «منفعت عمومی، عمل یا عملکرد نیست، بلکه جهت یا جهات اعمال عمومی است. منفعت عمومی، جهات و چارچوب‌هایی است که